

## بررسی وضعیت اقتصادی ایران در خلال جنگ جهانی دوم

شمس الدین امرایی<sup>۱</sup>

### چکیده

در آستانه جنگ جهانی دوم که در پی یک سلسله مناقشات سیاسی در سال ۱۹۳۹ میلادی آغاز شد، کشور ایران از دو طرف در معرض شایعات و هجوم تبلیغاتی و فشارهای دیپلماتیک قرار گرفت. از یک طرف کشور آلمان و از طرف دیگر، رقبای آن کشور، ایران را در بلاتکلیفی قرار دادند و باعث شد تا مطبوعات آلمان مسئله تقسیم مجدد ایران را از سوی انگلستان و شوروی و اعزام نیرو از هندوستان را مطرح نمایند. اگرچه با شروع جنگ جهانی دوم در ۱۱ شهریور ۱۳۱۸ ش. محمود جم نخست وزیر ایران با صدور اعلامیه‌ای رسماً تصمیم دولت ایران را مبنی بر اینکه در این جنگ بی طرف می باشد، اعلام نمود، و حتی رضا شاه نیز در نطق خود در مراسم افتتاح دوازدهمین دوره مجلس شورای ملی بر این موضوع تأکید و اظهار امیدواری نمود که دولت ایران روابط دوستانه خود را با کلیه کشورها اعم از متخاصم و یا غیر متخاصم حفظ خواهد کرد. اما حمله آلمان به شوروی تمام محاسبات بی طرفی ایران را برهم زد و با ورود نیروهای متفقین به مرزهای ایران وضعیت کشور را دچار بحران نمود، چرا که باعث شد در این دوره ایران با مشکلات فزاینده اقتصادی و از سر گرفته شدن جریان‌ها و فعالیت‌های سیاسی و آغاز دوباره فشارهای سیاسی<sup>۲</sup> خارجی روبه رو شود. بنابراین مشکلات جبران ناپذیری را از جمله، در بحث صنایع، تجارت داخلی، مسائل اقتصادی، شیوع قحطی و گرانی هزینه‌های زندگی، هیاهوی نان، افزایش بیکاری و فقر عمومی و حضور کشوری همچون آمریکا را در ایران به وجود آورد. اکنون پژوهش حاضر درصدد است با اتکا به منابع موجود و با روش توصیفی<sup>۳</sup> تحلیلی و مدارک موجود به بررسی وضعیت اقتصادی ایران در خلال جنگ جهانی دوم پی به مسائل مبهم و به وجود آمدن اشغال اقتصادی در ایران دست یابد.

واژه‌های کلیدی: جنگ جهانی دوم، اقتصاد، رضا شاه، آلمان، ایران

---

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور Shamsedinamraei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶

## مقدمه

واکاوای رویدادهای جنگ جهانی در ایران از خلال منابع مربوط به جنگ از جنبه‌های گوناگون بسیار درخور توجه و حائز اهمیت می‌باشد، چرا که جنگ نیرومندترین و مؤثرترین شیوه برخورد و رویارویی تمدن‌ها به حساب می‌آید و می‌توان اهمیت جنگ و جایگاه آن را در تحول حیات اجتماعی و اقتصادی هر کشوری به وضوح مشاهده نمود، بدین ترتیب نتایج و پیامدهای آن می‌تواند زندگی و ساختار اقتصادی ملت‌ها را به طور عمیق دستخوش دگرگونی سازد. در تاریخ تمدن‌ها جنگ به عنوان عامل سقوط و پایان یک تمدن و شروع تمدنی جدید قلمداد می‌شود.

ایران به‌رغم اینکه در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی نمود، اما با توجه به این بی‌طرفی، صحنه درگیری‌های قوای روسیه، عثمانی، بریتانیا شد. این جنگ تأثیر مستقیم و مخربی را بر اقتصاد ایران گذاشت. ارتش‌های متخاصم، محصولات کشاورزی و دامی ایران را مصادره کردند، شبکه آبیاری ویران شد، دهقانان را به زور به جاده سازی و بیگاری‌های نظامی مجبور می‌کردند و باعث شده بود تا روستاها خالی از سکنه شوند. توسعه صنعتی دستخوش وقعه شد، اما داد و ستد و پیشه‌وری در سطح محلی باقی ماند، شهرهای کشور با تورم دست به گریبان شدند و واردات بر صادرات پیشی گرفت. در شمال نیز جابجایی تجارت وضعیت بدی را به وجود آورده بود و باعث شد که تأثیر آن منجر به وجود آمدن قحطی در زمستان سال ۱۹۱۸-۱۹۱۹ میلادی شود و تلفات انسانی ناشی از قحطی را به وجود بیاورد که بنابر برآوردها نزدیک به یکصد هزار تا دو میلیون نفر تلفات انسانی به همراه داشته است. بالفور، رایزن مالی بریتانیا در تهران منطقه ای را دیده بود که «تقریباً یک چهارم جمعیت کشاورزان آن بر اثر قحطی مرده بودند. این مسئله نشان می‌داد که مردم ایران



برای جنگی که خود نقشی در به راه افتادنش نداشتند، بهایی این چنین سنگین پرداختند. (فوران، ۱۳۷۷: ۲۹۶)

با شروع جنگ جهانی اول، نیروهای قدرتمند و متخصص از جمله انگلستان با کشتی-های جنگی بوشهر را تصرف کرده و بلافاصله دارالحکومه، گمرک و سایر ادوات دولتی را تصرف، و پرچم انگلیس را بر فراز دارالحکومه بالا کشیدند. روس ها نیز در آغاز جنگ به ایران حمله ور شدند و آذربایجان، زنجان و قزوین را تصرف کردند و بعد از آن به سوی تهران حرکت کردند. این موضوع باعث شد تا احمد شاه درصدد تغییر پایتخت برآید و به قم برود. با این جریانات بسیاری از ایرانیان از جمله سید حسن مدرس به خارج مهاجرت کرده و در بغداد یک دولت موقت تشکیل دادند. (ملک زاده و حامدی، ۱۳۹۲: ۳۶۰) هم زمان با این جریانات روحانیت و نیروهای مذهبی و همچنین ایلات و عشایر و سران آنان که با اعمال سیاست های ویژه دوره رضا شاه در محاق رفته بودند، دوباره وارد میدان شده و هر یک در صحنه سیاست ایران نقشی را بر عهده گرفتند. (رحمانیان، ۱۳۹۳: ۳۵۲)

در مجموع وضع ایران در این ایام بسیار نابسامان بود و در سال ۱۹۱۵ میلادی پیمان جدیدی بر سر تقسیم ایران میان دو دولت روس و انگلیس بسته شد که به دلیل انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه ناتمام ماند، و می رفت تا ایران دنیای جدیدی را انتخاب کند، اما بعد از پایان جنگ اقتصاد ایران با بحران های شدیدی رو به رو شد. منابع مختلف تاریخی از نابسامانی های اقتصادی ایران و مشکلات عدیده مردم در زمینه تهیه مایحتاج اولیه و ارزاق عمومی سخن گفته اند و پرده های رقت آمیزی را از تراژدی ایران بعد از جنگ ترسیم نموده و نوشته اند که: «طبیعت هم برای بدبختی اهل تهران مساعدت کرده و قحطی بروز کرد. در سر گذرگاهها عده ای افتاده از گرسنگی جان می دادند. برنج در مازندران و گیلان به واسطه انقلاب حمل به روسیه نمی شد و فراوان



بود ولی با گرانی نرخ کرایه حمل آن به طریق تجارت صرف نداشت. مادرها از گرسنگی بچه‌های خود را اجاره می‌دادند، گداها آن‌ها را در سر راهها نگاه می‌داشتند و زجر می‌دادند که گریه و ناله کنند و توجه عابران را جلب کرده تا از این راه، پولی عایدشان شود».

علاوه بر کاهش محصولات کشاورزی بیماری مسری نیز مزید بر علت شد و مشکلات فراوانی را برای مردم ایجاد کرده، همین عامل باعث نابودی احشام و در نتیجه جان باختن بسیاری از مردم شد و کمبود مواد غذایی و افزایش هزینه‌ها از سوی دولت و به وسیله ارتش‌های مهاجم باعث افزایش شدید قیمت‌ها و بروز مشکلات اقتصادی فراوانی برای مردم شد. ولی همین جنگ فرصت خوبی را برای ایران به وجود آورد و باعث شد تا انحطاط تزاریسیم روسیه به واسطه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م سرسخت‌ترین دشمنان ایران را به طور موقت از جولان دادن بیندازد. (ملک زاده و حامدی، ۱۳۹۲: ۳۷) ولی در عوض تمام ایران به دست بریتانیا افتاد و آن دولت به واسطه این موقعیت قوای خودش را به صفحات شمالی ایران اعزام و کمک‌هایی را در اختیار دولت ناتوان ایران قرار داد. (فوران، ۱۳۷۷: ۲۹۷)

### آغاز جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹م با تهاجم آلمان به خاک لهستان آغاز گردید و قوای آلمان که بالغ بر یک میلیون نفر بودند با طلایه‌ای مرکب از لشکرهای زره پوش و پشتیبانی توده کثیر از هواپیماهای نیروی هوایی به سرعت توانستند نواحی غربی لهستان را تصرف نموده و شروع به ایجاد پایگاه‌های مستحکمی در کشورهای بالتیک یعنی استونی، لتونی و لیتوانی نمودند. به تدریج شعله‌های جنگ به دیگر کشورها سرایت نمود و در قالب نیروهای متحدین و متفقین شکل واقعی تری به خود گرفت و تأثیرات آن کل دنیا را در بر گرفت. این تأثیرات زیانبار را در زمینه‌های اقتصادی،

سیاسی، اجتماعی در دیگر کشورها به جای گذاشت که سهم ایران در این جنگ با حمله متفقین به کشور نمود کاملتری پیدا کرد. (پالمر، ۱۳۸۳: ۱۴۷۳)

### بهبانه متفقین برای حمله به ایران

در ۲۸ تیرماه ۱۳۲۰ ش. دولت‌های شوروی و انگلیس یادداشت مشابهی به ایران تسلیم کردند و از فعالیت کارشناسان آلمان در ایران اظهار نگرانی نموده و خواستار اخراج آنان شدند. به عقیده متفقین آنها، ستون پنجم آلمان در ایران بودند. از این رو، جنگ روانی و تبلیغاتی شدیدی را علیه آلمانی‌های شاغل در ایران به راه انداختند و در روزنامه‌های خود تعداد آنها را ۱۰ هزار نفر ذکر کردند. (ترکمان، ۱۳۷۰: ۹۶)

دولت ایران در مقابل درخواست‌های انگلیس در مورد اخراج آلمانی‌ها، اعلام کرد: «اظهار نگرانی شما (انگلیسی‌ها) از بودن آلمان‌ها در ایران که سفارت انگلیس هم در تهران همین نگرانی را مکرر اظهار نموده، ما را به این خیال می‌اندازد که شاید مقصود دیگری در نظر دارند که نمی‌خواهند از پرده بیرون بیاورند و هیچ‌گونه فعالیتی تاکنون از آلمان‌های ساکن ایران در سیاست دیده نشده است که بتوان موردی برای نگرانی فرض کرد. دولت ایران به وزیر مختار انگلیس در تهران اطلاع داده که اخراج، تلافی از طرف آلمان خواهد شد». (همان: ۱۰۳)

دولت ایران به دنبال فشار شوروی و انگلیس برای اخراج آلمانی‌ها از ایران، اظهار داشت: «اتباع آلمان در ایرن سه دسته اند، گروه اول، متخصصان و تکنسین‌هایی که مشغول نصب قسمت‌هایی از قطعات کارخانجات هستند و هر وقت کارشان به اتمام رسید، حتی یک دقیقه هم در ایران نخواهند ماند. گروه دوم، بازرگانان آلمانی هستند که شما [متفقین] از عده و نحوه فعالیت آنها کم و بیش اطلاع دارید و تصور نمی‌رود، خطری از جانب این دسته متوجه متفقین باشد. گروه سوم را کادر سیاسی و



اعضای سفارت تشکیل می دهند که آنها هم شناخته شده هستند». (عامری، ۱۳۴۲:

۲۵)

در حالی که ایران برای متقاعد کردن متفقین مبنی بر بی خطر بودن آلمانی‌های ساکن در این کشور تلاش می‌کرد، گوینده رادیو باکو در اول تیر ۱۳۲۰ عنوان کرد که در تبریز یک سازمان آلمانی با سرپرستی کنسول اشمیت مشغول فعالیت جاسوسی است و شوروی‌ها قصد دارند، برای درهم شکستن این تشکیلات وارد خاک ایران شوند و خواستار اخراج فوری این عده شده‌اند. علی منصور نخست وزیر وقت ایران در مقابل تبلیغات و فشار دولت های شوروی و انگلستان چنین پاسخ داد: «ایران نمی‌تواند تقاضای آنها را قبول نماید؛ ولی او هر آلمانی را که از روی مدرک و دلیل معلوم شود، داخل در فعالیت‌های غیر قانونی شده، از کشور اخراج می‌کند.» او افزود که آلمانی‌ها تهدید کرده‌اند، اگر خواسته‌های انگلیس مورد قبول واقع شود، آنان نیز مناسبات خود را با ایران قطع خواهند کرد. (امینی، ۱۳۴۱: ۲۱۵)

### جنگ جهانی دوم و اوضاع ایران

سحرگاه روز ۲۵ اوت (۳ شهریور ۱۳۲۰) بعد از انتشار منشور آتلانتیک که طی آن چرچیل و روزولت رئیس جمهور آمریکا آزادی و استقلال و حق تعیین سرنوشت را برای کلیه ملت‌های جهان به رسمیت شناخته بودند، کشور بی طرف ایران، (مهدوی، ۱۳۷۷: ۷۱) که طی اعلامیه محمود جم نخست وزیر ایران در سال ۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸ش مبنی بر اینکه دولت شاهنشاهی ایران به موجب این بیانیه، تصمیم خود را به اطلاع عمومی می‌رساند که در این کارزار بی طرفی خود را محفوظ خواهد داشت، (تبرائیان، ۱۳۷۱: ۱۳) مانع حمله متفقین به ایران نشد و آنها از شمال و جنوب و غرب به ایران حمله ور شدند. (مهدوی، ۱۳۷۷: ۷۱)



طی حمله متفقین شش لشکر پیاده نظام و زرهی شوروی تحت فرماندهی ژنرال واسیلی نوریکوف از سه منطقه وارد خاک ایران شد... ستون اول از رود ارس گذشتند و بعد از تصرف جلفا، ماکو و خوی تا سواحل ارومیه پیشروی کرده و سپس متوجه ارومیه و تبریز شده و آن دو شهر را تصرف کردند. (ملک زاده و حامدی، ۱۳۹۲: ۳۸) و ستون دوم از آستارا و کرانه دریای خزر بسوی بندر انزلی و اردبیل سرازیر شدند و پس از تصرف رشت و چند شهر مهم گیلان تا حدود قزوین پیشروی و در آنجا با ستونی که از آذربایجان وارد خاک ایران شده بود، تلاقی کردند. ستون سوم از طریق بندر شاه (بندر ترکمن کنونی) حمله کردند، گرگان و مشهد را تصرف و تا گرمسار که مرکز تلاقی راه آهن شمال به شرق بود، پیشروی کرد.

در همان روز هواپیماهای شوروی تبریز، رشت، ارومیه و قزوین را بمباران کرد و روز بعد حومه تهران را مورد حمله قرار داده و بر روی پایتخت اوراق تبلیغاتی علیه آلمانی‌ها و رضا شاه فرو ریختند. از طرفی دیگر نیروهای انگلیسی که حملات خودشان را از ناحیه غرب و جنوب غربی آغاز کرده بودند، در نیمه شب سوم شهریور با یک ستون از قوای مختلط انگلیسی و هندی از بصره حرکت، و در نهایت سکوت و آرامش از اروند رود گذشتند و در سحرگاه همان روز در ساحل ایران پیاده شدند. آنها خرمشهر و آبادان را مورد حمله قرار دادند. بعد از آن نیروهای هوایی انگلستان اهواز را بمباران کرد و تعدادی از هواپیماهای ایرانی را از کار انداخت. در حمله‌ای دیگر تاسیسات نفت شهر را بدون برخورد با مقاومت جدی تصرف کردند و به سوی کرمانشاه پیشروی کردند. (مهدوی، ۱۳۷۷: ۷۳) در بحبوحه‌ی تهاجم متفقین بسیاری از فرماندهان لشکرها راه فرار در پیش گرفته و فقط در جنوب و غرب لشکرهای خوزستان و کرمانشاه تا حدودی مقاومت کردند. (ملک زاده، حامدی، ۱۳۹۲: ۳۷)



حملات متفقین به ایران، رضا شاه را که به ارتش (۱۲۰ هزار نفری) خود می‌باید، باور نمی‌کرد که حامیان دیروزی‌اش با دشمنان خونی‌اش همدست شده و ایران را مورد تهاجم خود قرار داده‌اند. ولی با این وضعیت دیگر دیر شده و رضا شاه دریافته بود که حریف قوی تر از آن است که ارتش کوچک ایران بتواند از پس آنها برآید. (مهدوی، ۱۳۷۷: ۶۹) به هر روی رضا شاه که از ورود متفقین غافلگیر شده بود، از سفرای ایران در لندن، مسکو و واشنگتون خواست از دولت‌های یاد شده تقاضا کنند، عملیات نظامی را متوقف سازند و با او وارد مذاکره شوند، اما آنها نه تنها جوابی ندادند بلکه به سفرای ایران فهماندند که دیگر دیر شده است. رضا شاه به تصور اینکه آنها قصد مذاکره با علی منصور را ندارند، فروغی را به نخست وزیر برگزید که بیشتر مورد قبول انگلیسی‌ها بود، و طی مذاکراتی که با متفقین شکل گرفت در ششم شهریور ۱۳۲۰ش رضا شاه به کلیه واحدهای ارتش دستوری مبنی بر ترک مقاومت داده و در هشتم شهریور نمایندگان دول متفق تقاضای دول متبوع خود را به شرح زیر به دولت فروغی اعلام کردند که:

۱. اخراج کلیه ی اتباع آلمان به استثنای اعضای سفارت و چند نفر کارشناس آلمانی
  ۲. تعهد در تسهیل حمل و نقل اسلحه و مهمات و ادوات جنگی از راه ایران به روسیه در مقابل دو کشور انگلستان و روسیه تعهد داده بودند که حق السهم ایران را از نفت جنوب و عایدات ایران را از شیلات پردازند و همچنین لوازم مورد احتیاج اقتصادی ایران را فراهم سازند و نیز جلوی پیشروی بیشتر نیروهای خودشان را بگیرند.
- (الموتی، ۱۳۷۰: ۳۲۰) به هر حال با ورود متفقین به ایران و بنابر دستور رضا شاه در ششم شهریور، ارتشی که رضا شاه با آن همه تعریف و دبدبه و کبکبه و صرف کردن هزینه‌های گزاف برای حمایت از سلطنت خود مهیا کرده بود به ناگهان از هم پاشید و جز مقاومتی اندک تاب مقاومت در برابر متفقین را نداشت. (مهدوی، ۱۳۷۷: ۳۹۷-





۳۹۸) بنابراین بجز تنها ۶۵۰ نفر از ارتش بزرگ وی که جوانمردانه جنگیدند، بقیه متلاشی شد و بنیان ارتش به ظاهر منسجم که مدت‌ها پیش لرزان شده بود، سرنگون شد. (رحمانی، ۱۳۷۷: ۴۵) به هر روی سرنگونی ارتش و سرانجام مرگ وی در تبعید که در آخرین سال‌های پادشاهیش، وی را به مستبدی حریص و بی‌رحم و مرموز تبدیل کرده بود، کسی را متاسف و متاثر نکرد. سقوط رضا شاه در واقع پایان دوران سیاست مهار دولتی و آغاز سیاست کشمکش اجتماعی بود. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۲۰)

### دوران پر تنش اقتصادی ایران در جنگ جهانی دوم

در دوره جنگ جهانی دوم ایران با مشکلات فزاینده اقتصادی و از سرگرفته شدن مباحث و فعالیت‌های سیاسی و آغاز دوباره فشارهای سیاسی و خارجی روبرو بود و همه پانزده میلیون نفر جمعیت کشور در این دوران با مشکلات عظیمی روبرو بود، چرا که ایران صحنه ملاحظیات نیروهای متفقین و خط تدارکاتی آذوقه و مهمات به شوروی شد، متفقین با اینکه قول داده بودند برای مردم مشکلی به وجود نیاورند، اما بخشهای کلیدی اقتصاد، کشاورزی، صنعت، خدمات بازرگانی خارجی، بودجه دولت را در اختیار خود گرفتند به همین علت سطح زندگی مردم که بر اثر اشغال ایران شدیداً آسیب دیده بود، به وضع اسفباری درآمد... (فوران، ۱۳۷۷: ۳۹۵)

به هر حال در آذر ماه سال ۱۳۲۰ ش/ دسامبر ۱۹۴۱ به دنبال عقب نشینی نیروهای آلمانی از مسکو و ورود آمریکا به جنگ، قراردادی سه جانبه میان سهیلی (نخست وزیر ایران) ریدر بولارد (وزیر مختار انگلیس) و اسمیرنوف (سفیر شوروی) به امضاء رسید، که بر اساس آن: «حضور قوای متفقین در خاک ایران به معنای اشغال نظامی نخواهد بود و نسبت به ادارات و قوای تأمینیه ایران و زندگی اقتصادی کشور و رفت آمد عادی سکنه و اجرای قوانین و مقررات ایران هر قدر ممکن باشد کمتر مزاحمت خواهند نمود». (بولارد، ۱۳۶۲: ۶۳) لیکن بخش کشاورزی که ستون فقرات اقتصادی



ایران بود و نزدیک به ۷۵ درصد نیروی کار را جذب کرده و ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کرد دچار افت فاحش تولید شده بود و از تولید محصولات اساسی کشاورزی و پرورش دام در خلال اشغال ایران کاسته شد. گندم و جو به میزان ۲۵ درصد، پنبه ۳۹ درصد، برنج ۱۰ درصد، گاو ۹ درصد و توتون و تنباکو ۷ درصد کاهش تولید پیدا کردند. (فوران، ۱۳۷۷: ۳۹۵) و فقط بخش‌های معدودی مثل پرورش اسب و گوسفند رشد نسبی داشتند که آن هم با فشار حکومت‌های رضاشاهی از ایلات و اسکان اجباری برداشته شد و موجب شد تا جمعیت ایلات و عشایر بیشتر شود، از یک میلیون نفر در سال ۱۳۱۰ به افزایش دو برابری در سال ۱۳۲۰ افزایش یابد. (زهیری، ۱۳۷۹: ۱۳۲)

افزون بر آن کاهش محصولات غذایی از یک سو و تقاضای ارتش‌های اشغالگر خارجی از سوی دیگر برای مواد غذایی، به قحطی شدیدی در اکثر مناطق ایران از جمله، آذربایجان و سواحل دریای خزر منتهی گردید. (آوری، بی تا: ۶۳) به واسطه این قحطی و هرج و مرج ها و گرسنگی در کشور، دولت هم که گرفتار فساد و بحران اداری شده بود، توان مدیریت بحران اقتصادی و اجتماعی را نداشت، چرا که با کارشکنی‌های نیروهای اشغالگر مواجه شده بود. (رحمانیان، ۱۳۹۳: ۳۹۵)

#### وضعیت ایران در بُعد کشاورزی

یکی از نتایج زیانبار ورود متفقین در ایران کاهش شدید محصولات کشاورزی بود. بیشتر کشاورزان به سبب ناامنی موجود در روستا به همراه خانواده‌هایشان به شهرها گریخته و باعث شد تا قتل، جنایت، دزدی، سرقت و راهزنی سراسر کشور را فرا بگیرد. در ماه‌های اول جنگ مقدار زیادی از غلات نابود شد به طوری که دهقانان بذر کافی برای کشت را نداشتند. به همین دلیل تولید کشاورزی دچار سقوط ناگهانی شد و باعث ورشکستگی اقتصادی و شیوع قحطی و گرانی گردید. بنابراین هزینه‌های

زندگی را به شکل فزاینده‌ای بالا برد. (ملک زاده و حامدی، ۱۳۹۲: ۴۳) حتی به واسطه این مشکلات سیلوها، خالی از گندم شده بود و نیاز به وارد کردن گندم به کشور ضروری به نظر می‌رسید، ولی به دلیل وقایع شهریور ۱۳۲۰ش. امکان روابط بازرگانی با کشورهای اروپایی محدود و مسدود شده بود، همین مسئله مزید بر علت شد تا دولت نتواند گندم مورد نیاز ناوایان را تامین کند، لذا همه روزه شکایات فراوانی در این راستا به تهران فرستاده می‌شد. اما دولت با توجه به مشکلات به وجود آمده نتوانست از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند. (ساعد مراغه‌ای، ۱۳۵۳: ۱۴-۱۷)

با این اوصاف تحولات اقتصادی به وجود آمده تأثیر مخربی را بر جمعیت، خاصه در شهرهای بزرگ را به وجود آورد. شاید بتوان گفت عمده‌ترین این تأثیرها به خاطر تورم بیش از اندازه در نخستین سال‌های جنگ به خاطر مصرف زیاده از حد نیروهای اشغالگر و کمبود کالاهای اساسی و پایین آوردن اجباری ارزش پول ایران عنوان کرد، حال آمار و ارقام نشان می‌دهد که قیمت‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۴۴م/۱۳۱۹-۱۳۲۳ هفت برابر شده بود. لذا از پیامدهای تورم کمبود اقلام اساسی در بازار رسمی، تنظیم شده توسط دولت، پیدایش بازار سیاهی بود که از نظر اهمیت و اندازه مثل بازار معمولی بود. بنابراین به واسطه این تورم می‌توان گفت که جدی‌ترین عامل زمان جنگ در ایران کمبود نان بود. کمبود نانی که به خاطر آن در تهران ۲۰ نفر کشته، ۷۰۰ نفر زخمی، و ۱۵۶ نفر بازداشت شدند و به بازار هم معادل ۱۵۰ هزار دلار خسارت وارد شد. قیمت نان در بازار آزاد در نیمه اول سال ۱۹۴۲م/۱۳۲۱ از ۶ سنت به یک دلار رسید، در این زمان احمد قوام نخست وزیر ایران بود، او در مصاحبه مطبوعاتی خود عنوان کرد که: «مشکل من این است که اگر بتوان نان مرغوب در دسترس ایرانیان قرار بدهم، سایر مشکلات حل خواهد شد». (فوران، ۱۳۷۷: ۳۹۷-۳۹۸) ولی در پاییز همان سال وضعیت نان بدتر شد و باعث تظاهرات دانشجویان، زنان و بچه هایشان



جلوی مجلس شورای ملی شد « و فریاد بزدند یا مرگ یا نان.» که با این اوضاع متفکین و دولت ایران دست به کار شدند و با وارد کردن گندم، عرضه نان را تحت کنترل درآوردند. (ساعد مراغه‌ای، ۱۳۵۳: ۱۵)

### وضعیت ایران در بُعد صنایع و تجارت

در دوره جنگ جهانی دوم، علاوه بر مشکلات فزاینده اقتصادی که به اختصار بیان شد، در بخش صنعت هم ایران آسیب جدی دید و باعث شد که سهم صنعت در تولید ناخالص ملی را از ۱۸۰ میلیارد ریال در سال ۱۹۴۱م/۱۳۲۰ش به ۱۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۹۴۵م/۱۳۲۴ش کاهش دهد. به موجب اعداد و ارقام ارائه شده توسط فلور تعداد شرکت‌های صنعتی در همین دوره از ۴۶۰ واحد به ۶۳۵ واحد و سرمایه صنعتی از ۵۲۷ میلیون ریال به ۱۵۰۶ میلیون ریال رسید و حتی داده‌های دیگر در زمینه صنعت نشانه کاهش مطلق یا نسبی بودن و ایجاد کارخانه‌های بزرگ و نوین در خلال جنگ افت شدیدی کرد و به سالی دو واحد کاهش یافت، در حالی که میانگین ایجاد کارخانه در دهه ۱۹۳۰م/۱۳۱۰ش ۸ واحد بود. (فوران، ۱۳۷۷: ۳۹۵-۳۹۶)

علاوه بر موارد فوق بافندگی که بخش عمده صنعت به حساب می‌آمد شدیداً تنزل پیدا کرد، چرا که مراکز جایگزین کردن قطعات یدکی کارخانه‌ها و نصب و راه اندازی ماشین‌های جدید به دلیل جنگ با مشکلات فراوانی روبرو بود. صنایع کارخانه‌ایی که در دهه ۱۳۱۰ش. از نظر وسایل و تجهیزات شدیداً به آلمان وابسته شده بود، آسیب سختی دید و صنایع دولتی به ورطه فراموشی سپرده شد. (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۹-۲۷) که دلیل این موضوع هم به خاطر نظرات آرتور میلسویی آمریکایی مشاور اقتصادی دولت بود. (الهی، ۱۳۶۵: ۱۹۰) دکتر میلسویی که طبق برنامه بیست ساله، کمک‌های آمریکا را تشریح کرد و گفت: «ایران به دلیل موقعیت و مشکلات و احساسات دوستانه‌اش به ایالات متحده آمریکا به چیزی در حد یک کلینیک یا ایستگاه آزمایشی



سیاست‌گذارهای بعد از جنگ رئیس جمهور آمریکا است و هدف رئیس جمهور، توسعه بخشیدن و برقراری ثبات در مناطق عقب افتاده است». (فوران، ۱۳۷۷: ۴۰۵)

این اتفاقات باعث شد تا رکود صنایع جدید الاحداث، افزایش قیمت‌ها نگرانی مردم از کمبود کالا و اقدام به خرید و ذخیره سازی از نتایج مهم این وضعیت به شمار می‌رفت. (ملک زاده و حامدی، ۱۳۹۲: ۴۴) وضعیتی که کاتوزیان شرحی دقیق و کوتاه بر آن دارد و عنوان کرد که: برآوردن نیاز نیروهای متفقین در زمینه خوراک، پوشاک، مواد خام، توتون و غیره ... با استفاده از سیاست پولی ویژه‌ای ممکن شد که بر دولت ایران تحمیل و به کاهش شدید ارزش پول ایران و در نتیجه تورم فوق العاده و فزاینده انجامید. در نتیجه کاهش ارزش ریال و به طبع آن گران تر شدن ارزهای خارجی، تراز بازرگانی ایران، به هم خورد و تورم بالا، فقر گسترده و فزاینده‌ی مردم ایران را به بار آورده و تامین نیازهای ریالی متفقین مستلزم افزایش انتشار و عرضه پول به میزان چند برابر و افزایش اعتبارات اعطایی به آنان بود که این نیز به سهم خود عامل مهم و مؤثر دیگری در افزایش تورم و فقر بود. از همه بدتر اینکه بر پایه توافقی‌های جداگانه با انگلیس و شوروی ۶۰ درصد از مازاد سالانه بازرگانی ایران با انگلیس و کل اعتبارات سالانه داده شده به شوروی تا پایان جنگ باز پرداخت نمی‌شد. به زبان ساده‌تر، کل قرضیه یعنی کاهش ارزش پول، انتشار و عرضه اسکناس و اعطای وام را اعتبار به متفقین، دزدی مسلحانه از ملتی بسیار ضعیف و فقیر بود، چه ضرورتی داشت که متفقین ۱۰۰ درصد کاهش ارزش پول را بر ایران تحمیل کنند تا بهای کالاها و خدمات دریافتی از آن را به نصف پردازند. اشغالگران پس از جنگ، کالا و خدمات خود را به دو برابر ارزش آن به ایران فروختند. (رحمانیان، ۱۳۹۳: ۳۵۷-۳۵۸)

بدین ترتیب مشکلات به وجود آمده در خلال جنگ جهانی دوم، افزایش بیکاری و فقر عمومی را به دنبال داشت که این خود مشکلات عدیده بسیاری را به وجود آورد.



جنگ تمام کارهای عمرانی را متوقف کرده و باعث شده بود تا عده زیادی از مردم بیکار شوند و گرفتار سختی درآمد معیشتی گردند. در مورد هزینه‌های دولت نیز باید گفت: ابتدا افرادی که موقعیت و وسیله‌ای داشتند وارد دستگاه دولت شدند، مدتی نگذشت که عده کارمندان دولت چند برابر شد و قسمت عمده درآمد دولت صرف پرداخت حقوق کارمندان این نهاد گردید، و وجوهی که می‌بایست صرف عمران و آبادی کشور شود، کارهای تولیدی ایجاد کند، بالای بیکاری را از بین ببرد، صرف پرداخت حقوق کارمندان شد.

به طور اجمالی نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم موجب اختلال وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران گشت که آثار و لطمات آن ادامه پیدا کرد و باعث شد تا مردم ایران دچار صدمات جبران ناپذیر شوند. (مکی، ۱۳۵۸: ۱۲۸) البته باید اذعان داشت که در مشکلات به وجود آمده علی‌الخصوص در بُعد اقتصادی نمی‌توان نقش تأثیرگذار رضا شاه را در تصمیم‌گیریهای نابخردانه‌اش بی‌تأثیر دانسته و از آنها چشم‌پوشی نمود.

### رضا شاه و عملکرد اقتصادی وی

با اینکه می‌توان گفت مهم‌ترین عامل اصلی بحران اقتصادی در خلال جنگ جهانی دوم حضور متفقین و اشغال ایران و تصمیمات سیاسی و اقتصادی آنها بود، اما می‌توان عنوان کرد که این مشکلات اقتصادی با سیاست غلط رضا شاه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی او چندان شد. چرا که او بود که قبلاً امور اقتصادی و بازرگانی کشور را به انحصار دولت و یا به نوعی خودش درآورده بود. وی بود که صنعتی کردن کشور و یا به عبارت صحیح‌تر با ایجاد نظم نوین رضاشاهی تورم را به وجود آورد. (آوری، بی‌تا: ۲۶) به عنوان مثال در زمان احداث راه آهن سراسری به مالیات غیر مستقیم روی آورد و مالیات بسیار هنگفتی را برای قند و شکر وضع نمود. (همایون کاتوزیان،

۱۳۸۲: ۱۰۸) و با سرمایه گذاری در طرح‌های پر هزینه و کم بازدهی مانند ساخت کارخانه، موجب از بین رفتن سرمایه ملی شد. (همان: ۱۷۹) رضا شاه در زمینه کشاورزی نیز بیشتر به نفع زمین داران بزرگ عمل کرد، (آوری، بی تا: ۱۱۳) وی خرید و توزیع محصولات کشاورزی که عمده ترین آنها گندم و جو، مایحتاج اولیه مردم بود، در انحصار دولت قرار داد که این سیاست باعث گردید تا قیمت محصولات کشاورزی را در پایین ترین حد ممکن براساس شرایط داخلی به ضرر جمعیت روستایی نگه داشته شود. (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۷۹)

با این اوضاع عموم مردم به ویژه روستاییان ناچار بودند که قند و شکر و چای مورد نیازشان را که واردات آن در انحصار دولت قرار داشت، به قیمت بالایی خریداری کنند. از دیگر سیاست‌های اقتصادی نادرست رضاشاه می توان ممنوعیت کشت برنج در نواحی مرکزی، جنوبی و یا هر منطقه‌ای غیر از شمال را عنوان کرد، چرا که خود وی در استان‌های شمالی کشور اراضی برنج بسیاری را در اختیار گرفته بود. (جمعی از نویسندگان، بی تا: ۵۲) در مجموع در سالهای جنگ، دولتها، اقدامات مؤثری در جهت رونق اقتصاد کشاورزی و صنعت نکردند و اقداماتی هم که صورت گرفت به واسطه شرایط به وجود آمده در خلال جنگ و دخالت‌های متفقین به نتیجه مطلوبی منتهی نشد. (ملک زاده و حامدی، ۱۳۹۲: ۴۳)

با این تفاسیر، مردم گرسنه و زجر دیده کشور به جای امید به اصلاحات اقتصادی و رسیدن به نان نوایی، در کنج منازل منتظر فرجی بودند تا کشور را از این وضع فلاکت بار نجات یابد و سایه شوم اشغالگران از روی سر آنها برداشته شود.

### نتیجه گیری

با اینکه ایران در جنگ جهانی دوم اعلام بی طرفی نمود. اما نقشه‌های از قبل طراحی شده نیروهای متفقین تاثیرات فراوانی را بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش. در کشور به جای



گذاشت. به دنبال حمله متفقین مشکلات اقتصادی بسیاری در بُعد کشاورزی، صنعت و تجارت کشور را با چالشی بزرگ روبرو کرد و مشکلاتی همچون، تورم، دزدی و قحطی، گرسنگی، نابسامانی‌های اجتماعی و معیشتی که نمونه کوچکی از پیامدهای حضور آنها در کشور بود، علاوه بر مردم عادی، نیروهای مؤثر جامعه را به چالش کشاند و صدمات و لطامات فراوانی را به نیروی انسانی بالقوه و بالفعل کشور وارد کرد. جنگ جهانی دوم، مانع از رشد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امیدوار کننده آن روزهای کشور شد. افزون بر این تبعات سوء حضور نیروهای اشغالگر خارجی در ایران، موجب گسترش فساد مالی، اداری و مدیریتی در اقصاء نقاط کشور شد و باعث گردید که گردنکشی، ارتشاء و ناامنی در کشور به حد اعلا برسد. به تبع این عدم مدیریت می‌توان به مسئله‌ی هیاهوی نان و قحطی‌های مکرر اشاره نمود که به مثابه ابزاری در رقابت‌ها و مبارزات سیاسی میان دولت و مجلس و دربار و کشورهای اشغالگر قرار گرفت. البته به جد می‌توان اذعان نمود که بی‌برنامگی‌های رضا شاه در بُعد اقتصادی به این بحران به وجود آمده، کمک نمود.

#### منابع

آوری، پیتز (بی تا). تاریخ معاصر ایران از تاسیس سلسله پهلوی تا کودتا، ترجمه مهدی رفیعی مهرآبادی، تهران.

امینی، رضا (۱۳۴۱). استاد مهم سیاسی از وقایع شهریور ۱۳۲۰، سالنامه دنیا، ش ۲۱.

آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نی.

الموتی، ضیاء الدین (۱۳۷۰). فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی اجتماعی ایران، تهران: انتشارات چاپخش.





الهی، همایون (۱۳۶۵). اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

بولارد ریدر اسکریبنر، کلارمونت (۱۳۶۲). شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.

تبرائیان، صفا الدین (۱۳۷۱). ایران در اشغال متفقین، تهران: نشر رسا.

ترکمان، محمد (۱۳۷۰). اسناد نقص بی طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۰، تهران: کویر.

پالمر، رابرت روزول (۱۳۸۳). تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر.

جمعی از نویسندگان (بی تا). گذشته چراغ راه آینده، تهران: جامی.

رحمانیان، داریوش (۱۳۹۳). ایران بین دو کودتا، تهران: انتشارات همت، چ ۲.

ساعد مراغه‌ای، محمد (۱۳۵۳). بحران اقتصادی در سال‌های اشغال ایران، سالنامه دنیا، ش ۳۰.

زهیری (۱۳۷۹). عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، تهران: دفتر نشر معارف.

ذوقی، ایرج (۱۳۶۸). قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران: پاژنگ.

عامری، جواد (۱۳۴۲). شهریور ۱۳۲۰، سالنامه دنیا، ش ۱۹.

فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

ملک زاده الهام و زهرا حامدی (۱۳۹۲). جنگ جهانی اول و دوم به روایت اسناد، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

مصور رحمانی، غلامرضا (۱۳۷۷). خاطرات سیاسی، نظامی، اقتصادی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

مکی، حسین (۱۳۵۸). تاریخ بیست ساله ایران، ج ۸، تهران: امیرکبیر.  
هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۷). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی،  
تهران: نشر پیکان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا  
پایان جنگ جهانی دوم، تهران: امیرکبیر.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۲). اقتصادی سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان  
سلسه پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

